

چگونه صدای خدا را بشنویم - توسط دکتر مارک ویرلر

او دوباره آن را انجام داده بود! او به جای اینکه مستقیم از مدرسه مانند خانه خود به خانه بیاید ، به خانه دوستش رفته بود. بدون اجازه. بدون اطلاع ما بدون انجام کارهایش.

همسرم با داشتن یک خانه خدمتی که شامل بقایای سه خانواده زحمتکش به علاوه کودک نوپا و نوزاد ما بود ، به سادگی نمی توانست همه کارها را به تنهایی انجام دهد. همه مجبور بودند وزن خود را بکشند. همه وظایف متناسب با سن داشتند که انتظار می رفت آنها را انجام دهند. در چهارده سالگی ، راشل و برادر کوچکترش با ما زندگی می کردند در حالی که والدینش سعی داشتند بر الگوی سبک زندگی غلبه کنند که منجر به فرار فرزندان برای فرار از اختلال عملکرد شده بود. من از راشل پشیمان شدم ، اما ، صادقانه ، همسرم بزرگترین نگرانی من بود.

حالا راشل کارهای خود را برای گذراندن وقت با دوستانش واگذار کرده بود. این اولین بار نیست ، اما اگر چیزی برای گفتن در مورد آن داشته باشم ، آخرین نفر خواهد بود من قصد داشتم وقتی خانه به خانه رسیدگی کنم و خیلی روشن کنم که اگر می خواست زیر سقف من زندگی کند ، از قوانین من پیروی می کند.

اما ... او هنوز در خانه نبود. و من اخیراً یاد گرفته ام که واضح تر صدای خدا را بشنوم. شاید سعی کنم ببینم که آیا می توانم از او چیزی در مورد اوضاع بشنوم. شاید او بتواند راهی را برای من فراهم کند تا بتوانم آنچه را که قرار بود انجام دهد را انجام دهد (یعنی کاری که من می خواهم او انجام دهد). بنابراین من به دفتر خود رفتم و آنچه خداوند از هاباکوک 2: 1، 2 به من آموخته بود را مرور کردم: و من مراقب خواهم بود تا ببینم که او چه چیزی با من صحبت خواهد کرد ... سپس خداوند به من پاسخ داد و گفت ، "دید را ضبط کن ..."

هاباکوک گفت: "من در پست نگهبان خود خواهم ایستاد ..." (حباب 2: 1). اولین کلید شنیدن صدای خدا رفتن به مکانی آرام و هنوز افکار و احساسات خودمان است. مزمو 46: 10 ما را تشویق می کند که هنوز بمانیم ، رها شویم ، دست از تلاش بکشیم و بدانیم که او خداست. در مزمو 7: 37 از ما خواسته شده است که "هنوز در برابر خداوند باشیم و با صبر و شکیبایی در انتظار او باشیم". یک درونی عمیق در روحیه ما وجود دارد که هرکدام از ما می توانیم با خاموش کردن گوشت و ذهن خود تجربه کنیم. تمرین هنر مراقبه کتاب مقدس به سکوت صدای خارجی و حواس پرتی حواس پرتی توجه ما کمک می کند.

من یک پاسگاه ندارم اما یک دفتر داشتم ، بنابراین به آنجا رفتم تا آرام و ذهنم را آرام کنم. دوست داشتن خدا از طریق یک آهنگ پرستش آرام یکی از راه های بسیار مؤثر برای پایدار ماندن است. در 2 پادشاه 3 ، الیزه به کلمه ای از جانب خداوند احتیاج داشت ، بنابراین گفت: "من را برای من بیاورید". فهمیدم که نوشتن یک آهنگ عبادت روی تندخوانی من سریعترین راه رسیدن به آرامش من است. باید آهنگ من را با دقت انتخاب کنم؛ آهنگ های پر تحسین من را به آرامش نمی رساند ، بلکه ترانه هایی ملایم است که بیانگر عشق و عبادت من است. و فقط خواندن آهنگ در کیهان کافی نیست - من سریع و به آسانی به حضور پروردگار می شوم وقتی از تخیل خدادادی خود استفاده می کنم تا حقیقت را ببینم که او در اینجا با من درست است و من ترانه های خود را به او می خوانم ، شخصاً

پیامبر گفت: "من مواظب خواهم بود تا ببینم." برای دریافت کلام خالص خدا ، بسیار مهم است که قلبم به همان اندازه که متمرکز می شوم به درستی متمرکز شوم ، زیرا تمرکز من منبع جریان شهودی است. اگر نگاه خود را به عیسی برسانم (عبرانیان 12: 2) ، جریان شهودی از عیسی می آید. اما اگر نگاهم را بر حسب خواسته قلبم ثابت کنم ، جریان شهودی از آن میل بیرون می آید. برای داشتن یک جریان خالص ، باید آرام باشم و چشمانم را به دقت به عیسی بسپارم. آرام پرستش پادشاه و رهایی از سکوت و پیروی که به راحتی انجام می گیرد این کار را انجام می دهد.

بنابراین من از کلید دوم برای شنیدن صدای خدا استفاده کردم: همانطور که دعا می کنید ، چشم قلب خود را به سمت عیسی برسانید ، با دیدن در روح ، رویاها و چشم اندازه های خدای متعال. همانطور که نماز می خواند ، در حقیقت هاباکوک در جستجوی بینایی بود. او چشمان قلب خود را باز کرد و به دنیای روح نگاه کرد تا ببیند خداوند می خواهد چه چیزی را به او نشان دهد.

خدا همیشه از طریق رویاها و چشم اندازه ها سخن گفته است ، و او به طور خاص گفت که آنها به کسانی که روح القدس بر آنها ریخته می شود می رسند (اعمال 2: 1-4 ، 17).

بودن یک فرد منطقی ، منطقی ، واقعیت های قابل مشاهده که می تواند با حواس بدنی من تأیید شود پایه های زندگی من ، از جمله زندگی معنوی من بود. من هرگز فکر نکرده بودم که چشمان قلبم را باز کنم و به دنبال بینایی باشم. با این حال ، من اعتقاد داشته ام که این دقیقاً همان کاری است که خدا می خواهد من انجام دهم. او به من در قلبم چشم دید تا با روح دید و حرکت خدای متعال را ببینم. یک دنیای روح فعال در همه جا وجود دارد ، پر از فرشتگان ،

شیاطین ، روح القدس ، پدر قادر مطلق ، و پسر قادر همه او ، عیسی. تنها دلایل عدم مشاهده این واقعیت ، بی اعتمادی یا عدم دانش است.

پیتر در خطبه های خود در اعمال 2:25 ، به اظهارات پادشاه دیوید اشاره می کند: "من خداوند را همیشه در حضور خود می دیدم. زیرا او در دست راست من است ، تا من متزلزل نشوم. "مزمور اصلی این نکته را روشن می سازد که این تصمیم داوود بوده است ، نه یک بازدید مستمر از مافوق طبیعی: "من خداوند را (به معنای واقعی کلمه ، قرار داده ام) قرار داده ام که خداوند مرتباً پیش من است. زیرا او در دست راست من است ، من متزلزل نخواهم شد " (Ps.16: 8) از آنجا که دیوید می دانست که خداوند همیشه با او است ، با روح خود تصمیم گرفت که با گذشت زندگی ، آن حقیقت را با چشمان قلبش ببیند ، و می دانست که این امر ایمان او را قوی می کند.

برای دیدن ، باید نگاه کنیم. دانیل بینایی را در ذهن خود دید و گفت: "من به دنبال ... نگاه می کردم ... ادامه می دادم" (دان. 7: 2 ، 9 ، 13) در حالی که من دعا می کنم ، من به دنبال عیسی مسیح هستم و مراقب او هستم که او با من صحبت می کند ، کارهایی را انجام می دهد که بر روی قلب او است. بسیاری از مسیحیان دریابند که اگر فقط نگاه کنند ، خواهند دید. عیسی امانوئل است ، خدا با ما است (مت 1: 23) این به همان سادگی است. می توانید مسیح را همراه خود ببینید زیرا مسیح با شما حضور دارد. در حقیقت ، بینایی ممکن است به آسانی پیش بیاید که شما را وسوسه کنید که آن را رد کنید ، فکر کنید که این فقط شما است. اما اگر در ثبت این دیدگاه ها ادامه دهید ، به زودی شک شما با ایمان بر طرف می شود زیرا می دانید که محتوای آنها فقط می تواند در خدای متعال متولد شود.

عیسی توانایی زندگی در خارج از تماس مداوم با خدا را نشان داد و اظهار داشت که وی به ابتکار خودش هیچ کاری انجام نداده است ، بلکه فقط آنچه او دید پدر را در حال انجام است و پدر را شنید که می گوید (یوحنا 5: 19،20،30) چه راهی باورنکردنی برای زندگی!

وقتی قلبم را به اندازه کافی ساکت کردم که بتوانم بدون اینکه حواسم به ایده ها و برنامه های خودم باشد ، عیسی را تصویر کنم ، توانستم "مراقب باشم تا ببینم که او با من چه خواهد گفت". من سؤال خود را نوشتم: "پروردگار ، من درباره راشل باید چه کار کنم؟"

بلافاصله این فکر برای من پیش آمد ، "او ناامن است". خوب ، این قطعاً فکر من نبود! رفتار او مانند شورش برای من بود ، نه ناامنی.

اما مثل هباکوک ، من می شنیدم که صدای خدا با من صحبت می کند (حب 2: 2) الیاس آن را به عنوان یک صدای کوچک و آرام توصیف کرد (اول پادشاهان 12: 19) من قبلاً به صدای شنیدنی درونی گوش کرده بودم ، و خدا گاهی اوقات با این روش صحبت می کند. با این حال ، من فهمیدم که معمولاً ، صدای خدا به عنوان افکار ، دیدها ، احساسات و یا برداشتهای خود به خود می آید.

به عنوان مثال ، آیا شما در حال پایین آمدن از جاده نبودید و فکرتان پیش آمده است که برای شخص خاصی دعا کنید؟ باور نکردی که خدا به شما گفته دعا کنید؟ صدای خدا چطور صدا کرد؟ آیا این صدایی شنیدنی بود ، یا این یک فکر خودجوش بود که ذهن شما را روشن کرد؟

تجربه نشان می دهد که ما ارتباط سطح روح را به عنوان افکار ، برداشت ها و دیدگاه های خود به خود درک می کنیم ، و کتاب مقدس این امر را از بسیاری جهات تأیید می کند. به عنوان مثال ، یک تعریف از پاگا ، یک کلمه عبری برای شفاعت ، "یک فرصت تصادفی یا یک تقاطع تصادفی" است. وقتی خدا مردم را در قلب ما قرار می دهد ، او این کار را از طریق پاگا انجام می دهد ، یک فکر تصادفی که به طور اتفاقی در ذهن ما می گذرد.

بنابراین سومین کلید شنیدن صدای خدا این است که صدای خدا در قلب شما غالباً به نظر می رسد مانند جریان افکار خود به خودی. بنابراین ، هنگامی که من می خواهم از خدا بشنوم ، با لحن تصادفی یا افکار خود به خود لحن می زنم.

سرانجام ، خدا به هباکوک گفت تا بینش را ضبط کند (حب 2: 2) این یک فرمان منزوی نبود. این کتاب مقدس نمونه های بسیاری از دعاها و پاسخ های خدا ، مانند زمورها ، بسیاری از پیامبران و مکاشفه را ثبت می کند. فهمیدم که پیروی از این اصل نهایی اعتماد به نفس من را در توانایی شنیدن صدای خدا تقویت کرده است تا بتوانم در نهایت بتوانم از ابتکارات او راهی برای زندگی باشم. **کلید چهارم ، روزنامه نگاری دو طرفه یا نوشتن دعاها و پاسخ های خداوند ، آزادی فراوانی را در شنیدن صدای خدا به ارمغان می آورد.**

من روزنامه نگاری دو طرفه را یک کاتالیزور شگفت انگیز برای درک دقیق جریان درونی و خودانگیز خدا دانسته ام ، زیرا به عنوان روزنامه نگاری می توانم برای مدت طولانی از ایمان بنویسم ، فقط به این باورم که خداست. من می دانم که آنچه که من اعتقاد دارم از خدا دریافت کرده ام باید آزمایش شود. با این حال ، آزمایش شامل شک و تردید ارتباطات الهی است ، بنابراین من نمی خواهم در حالیکه سعی می کنم دریافت کنم ، آزمایش کنم. (نگاه کنید

به جیمز 1: 5-8) با استفاده از روزنامه نگاری ، می توانم با ایمان دریافت کنم ، می دانم که وقتی جریان به پایان رسید ، می توانم آن را با دقت تست و بررسی کنم.

بنابراین آنچه را که به اعتقاد او گفته بود نوشتم: "او ناامن است".

اما خداوند انجام نداد. من به نوشتن افکار خود به خودی که برایم پیش می آمد ادامه داد: "او را بدون قید و شرط دوست بدار. او گوشتی از بدن و استخوان استخوان شما است."

ذهن من فوراً اعتراض کرد: او گوشتی از گوشت من نیست. او به هیچ وجه به من ربطی ندارد - او فرزند بچه دار است و فقط به طور موقت در خانه من زندگی می کند. قطعاً زمان آن بود که این «کلمه از جانب خداوند» را امتحان کنیم!

سه فکر ممکن ممکن است در ذهن ما وجود داشته باشد: خودمان ، شیطان و روح القدس. واضح بود که کلمات موجود در ژورنال من از ذهن من بر نمی آید - من مطمئناً او را ناامن یا گوشت بدنم نمی دیدم. و من صمیمانه شک کردم که شیطان مرا تشویق می کند که بدون قید و شرط عاشق هر کسی باشم!

باشه ، این شروع می شد به نظر می رسید که من واقعاً مشاوره ای از جانب خداوند دریافت کرده ام. مطابق با اسماء و شخصیت های خدا همانگونه که در کتاب مقدس آمده است ، و کاملاً مغایر با نام ها و شخصیت های دشمن بود. بنابراین این بدان معنی بود که من از جانب خداوند می شنیدم ، و او از من می خواست که وضعیت را با نور دیگری ببینم. راشل دختر من بود - بخشی از خانواده من نه با خون بلکه به دست خود خدا. هر ج و مرج در زادگاهش ناامنی عمیقی را در مورد شایستگی او برای دوست داشتن هر کسی از جمله من و از جمله خدا ایجاد کرده بود. فقط عشق بی قید و شرط خداوند بیان شده از طریق یک انسان ناقص به قلب او می رسد.

اما قبل از اینکه اطمینان کامل داشته باشم که این واقعاً کلام خدا برای من بود ، باید یک آزمایش دیگر که باید انجام دهم وجود داشت. بنابراین من نزد همسرم رفتم و آنچه را دریافت کرده بودم به اشتراک گذاشتم. من می دانستم که آیا می توانم اعتبار وی را بدست آورم ، به خصوص که او در این شرایط ستم می کرد ، بنابراین می توانم حداقل به خودم بگویم ، "اینگونه خداوند می گوید".

نیازی به گفتن نیست ، پتی بلافاصله و بدون سوال تأیید کرد که خداوند با من صحبت کرده است. کل سخنرانی برنامه ریزی شده من فراموش شد. من با اضطراب به دفتر خود بازگشتم

تا بیشتر بدانم. همانطور که خداوند عشق جدید و فوق طبیعی ای را به راشل در من کاشته است ، به من نشان داد که چه چیزی را باید بگویم و چگونه آن را بگویم تا نه تنها به مسئله فعلی مسئولیت خانواده ، بلکه به موضوعات عمیق تر از عشق و پذیرش و ارزش بودن بپردازم.

راشل و برادرش تا دو سال دیگر به عنوان بخشی از خانواده ما باقی ماندند و به ما فرصتهای بسیاری دادند تا در مورد عشق پدر نشان دهیم و آموزش دهیم ، و بذره‌های معنوی را در خاک تشنه کاشته کنیم. ما کامل نبودیم و همه مسائل او را حل نکردیم ، اما چون یاد گرفته ام که به خداوند گوش دهم ، توانستیم از ایجاد شکاف و جدایی بیشتر جلوگیری کنیم.

چهار کلید ساده که خداوند به من از هباکوک نشان داد ، توسط افراد در هر سنی مورد استفاده قرار گرفته است ، از چهار تا صد و چهار ، از هر قاره ، فرهنگ و فرقه ، برای مکالمه های دو طرفه صمیمی با پدر دوست داشتنی خود و عزیزترین دوست. ترك هر کدام از کلیدها مانع از آن خواهد شد که همه آنچه را که او می خواهد به شما بگوید را دریافت کنید. ترتیب کلیدها مهم نیستند ، فقط اینکه همه آنها را استفاده کنید. در آغوش گرفتن هر چهار ، با ایمان ، می تواند زندگی شما را تغییر دهد. به سادگی خود را آرام کنید ، به خودکامگی بپردازید ، به دنبال دید و ژورنال باشید. او منتظر دیدار شما در آنجا است.

وقتی ژورنال می کنید حیرت خواهید شد! ممکن است شک در ابتدا مانع شما شود ، اما آن را دور کنید ، به خود یادآوری کنید که این یک مفهوم کتاب مقدس است و اینکه خدا حضور دارد ، با فرزندان خود صحبت می کند. آرام باش. وقتی کار خود را متوقف کنیم و به استراحت او وارد شویم ، خدا آزاد است که جریان یابد (هب 10:4).

چرا این کار را برای خودتان امتحان نکردید ، همین حالا؟ راحت بنشینید ، قلم و کاغذ خود را بیرون بیاورید و لبخند بزنید. توجه خود را به پروردگار در ستایش و عبادت کنید ، و به دنبال چهره او باشید. بسیاری از افراد ، موسیقی و دعای بینایی با عنوان "قدم زدن در امتداد دریای جلیل" را برای شروع کارشان مفید کرده اند. می توانید به آن گوش فرا دهید و آن را به صورت رایگان بارگیری کنید www.CWGMinistries.org/Galilee.

بعد از اینکه سؤال خود را برای او نوشتید ، آرام بگیرید و نگاه خود را به عیسی برسانید. ناگهان فکر بسیار خوبی خواهید کرد. شک نکنید به سادگی آن را بنویس بعداً ، هنگامی که روزنامه نگاری خود را می خوانید ، به شما برکت می یابد که متوجه شوید که با خدا گفتگو می کنید. اگر تعجب دارید که آیا واقعاً خداوند با شما صحبت می کند ، آن را با همسر یا یکی

از دوستان خود به اشتراک بگذارید. ورودی آنها ایمان شما را تشویق می کند و تعهد شما را برای گذراندن زمان آشنایی با معشوق روح خود باهوش تر از آنچه که ممکن است در خواب ببینید ، تقویت می کند.

آیا واقعاً خداست؟

پنج روش برای اطمینان از آنچه شما می شنوید از طرف او وجود دارد:

1) منشأ را امتحان کنید (1 ژانویه 4: 1)

افکار از ذهن خود ما مترقی است ، که یک فکر منجر به دیگری خواهد شد ، هر چند که مماس باشد. اندیشه های مربوط به دنیای روح ، خودبخود است. کلمه عبری برای پیشگویی واقعی نبا است ، که به معنای واقعی کلمه به معنای حباب کردن است ، در حالی که پیشگویی کاذب به معنای افزایش جوش است. سخنان صحیح خداوند از ذات موجود ما حباب خواهد شد. نیازی نیست که خودمان آن ها را بپذیریم.

2) آن را با اصول کتاب مقدس مقایسه کنید

خداوند هرگز شخصاً چیزی به شما نخواهد گفت که خلاف وحی جهانی اوست که در کتاب مقدس بیان شده است. اگر کتاب مقدس به وضوح بیان کند که چیزی گناه است ، هیچ مقدار روزنامه نگاری نمی تواند آن را صحیح جلوه دهد. با این وجود بخش اعظم آنچه در مورد ژورنالها در مورد کتاب مقدس به آنها پرداخته نمی شود ، بنابراین فهم اصول کتاب مقدس نیز لازم است.

3) آن را با نام ها و شخصیت های خدا همانطور که در کتاب مقدس نازل شده است مقایسه کنید

اما دانستن آنچه که کتاب مقدس در مورد او می گوید به شما کمک می کند تشخیص دهید که کلمات از او چیست. اطمینان حاصل کنید که مجله روزنامه نگاری شما مطابق با شخصیت خدا مطابق نام پدر ، پسر و روح القدس مطابقت دارد.

4) میوه را تست کنید (متی 7: 15-20)

آنچه می شنوید چه تأثیری بر روح و روحیه شما دارد؟ سخنان پروردگار ایمان شما را تسریع می کند و عشق ، آرامش و شادی شما را افزایش می دهد. آنها با آگاهی بیشتر از اینکه خدا کیست و چه کسی هستید ، احساس فروتنی را در شما تحریک می کنند. از طرف دیگر ، هر کلمه ای که دریافت می کنید باعث ترس و تردید شما می شود و شما را به سردرگمی یا اضطراب می اندازد ، یا باعث عصبی کردن نفس شما می شود (به ویژه اگر چیزی را بشنوید که "فقط برای شما فقط باشد - هیچ کس دیگری شایسته نیست") (باید فوراً توبیخ شود و به عنوان دروغ دشمن رد شود.

5) آن را با مشاوران معنوی خود به اشتراک بگذارید (ارائه 11:14)

ما عضو یک بدن هستیم! بند ناف سه رشته به راحتی شکسته نمی شود و قصد خدا همیشه این بوده است که با هم رشد کنیم. هیچ چیز ایمان شما به توانایی شما در شنیدن از طرف خدا را افزایش نمی دهد مانند تصدیق آن توسط دو یا سه نفر دیگر! آن را با همسر ، والدین ، دوستان خود ، بزرگتر ، رهبر گروه خود به اشتراک بگذارید ، حتی فرزندان بزرگتر شما می توانند هیئت مدیره صداگذاری شما باشند. آنها نیازی به کامل یا فوق العاده روحانی ندارند ؛ آنها فقط باید شما را دوست داشته باشند ، متعهد باشند که در دسترس شما قرار بگیرند ، گرایش کتاب مقدس خوبی داشته باشند و مهمتر از همه ، آنها نیز باید با میل و راحتی مشاوره را دریافت کنند. از خودکامه ای که اصرار دارد به دلیل ایستادن در کلیسا یا در کنار خدا خودداری کنید ، دیگر نیازی به گوش دادن به دیگران ندارند. دو یا سه نفر را پیدا کنید و بگذارید آنها تأیید کنند که از خدا می شنوید!

The book *4 Keys to Hearing God's Voice* is available at www.CWGMinistries.org.

کتاب 4 کلید شنیدن صدای خدا در دسترس است www.CWGMinistries.org